



تناقض رفتار و گفتار والدین چه اثری دارد؛ لزوم ایجاد خاطره خوب با نماز

دوره نوجوانی، که با جستجوی هویت و نیاز به استقلال فکری همراه است، زمان حساسی برای تثبیت باورها و رفتارهای دینی از جمله نماز است.

دوره نوجوانی، که با جستجوی هویت و نیاز به استقلال فکری همراه است، زمان حساسی برای تثبیت باورها و رفتارهای دینی از جمله نماز است.

به گزارش خبرنگار مهر، نماز در فرهنگ دینی اسلام، تنها یک عبادت نیست، بلکه ستون و عمود دین و معیار سنجش سایر اعمال است؛ تا جایی که قبولی دیگر عبادات، مشروط به قبولی نماز است.

در متون دینی از نماز به عنوان «معراج مؤمن» و «قربان کل تقی» یعنی وسیله نزدیکی هر پرهیزکار به خداوند تبارک و تعالی یاد شده است.

این فریضه روزانه، علاوه بر اینکه پیوند فرد با خالق را تقویت کرده و آرامش روحی را از طریق ذکر خدا تأمین می کند، دارای آثار اجتماعی عمیقی نیز هست.

قرآن کریم نماز را بازدارنده از فحشا و منکر معرفی می کند و این فریضه را عامل اصلی تقویت تعهد و مسئولیت پذیری اجتماعی می داند. در حقیقت، نماز قلب تپنده نظام ارزشی اسلام است که در هیچ شرایطی حتی در شدیدترین سختی ها نظیر بیماری های جسمی و جنگ و نبرد با دشمنان ترک نمی شود و برای حیات معنوی فرد و سلامت جامعه ضروری است.

دوره نوجوانی، که با جستجوی هویت و نیاز به استقلال فکری همراه است، زمان حساسی برای تثبیت باورها و رفتارهای دینی از جمله نماز است.

کاهش رغبت در این فریضه غالباً ناشی از برهم کنش عوامل فردی، خانوادگی و محیطی است که نیازمند توجه و برنامه ریزی جامع است.

از تکلیف تا نیاز

کاهش اشتیاق در نوجوانان اغلب ریشه در ابهامات شناختی و عدم درک صحیح دارد. مهم ترین عامل درونی، ناآگاهی از فلسفه و اسرار نماز است؛ اگر نوجوان نماز را صرفاً تکلیفی خشک و بی منفعت بداند، به آسانی آن را ترک می کند.

در مقابل، تبیین نماز به عنوان نیاز ضروری روح برای رسیدن به آرامش، کنترل هیجانات و تقویت توحیدمداری، انگیزه درونی قوی ایجاد می کند.

همچنین، ناتوانی در مواجهه با پرسش های اعتقادی و یا احساس گناه و ناشایستگی پس از ارتکاب خطا، می تواند مانع بزرگی باشد. مربیان در مدارس و مکان های آموزشی و تربیتی نظیر مدرسه و والدین باید با پاسخ های منطقی و دلنشین به ابهامات، و تأکید بر نماز به عنوان ابزار پاک کننده گناهان و فرصتی برای بازگشت به سوی خدا، این موانع را برطرف سازند. در نهایت، جذابیت بیش از حد سرگرمی های جایگزین و برنامه های تفریحی، اگر با خوشایندسازی تجربه نماز و پیوند دادن آن با خاطرات خوب همراه نشود، می تواند منجر به ترجیح لذت های آنی بر عبادت شود.

قدرت الگو و محیط عاطفی

خانواده اصلی ترین بستر نهادینه سازی نماز است. تأثیرگذارترین عامل در این نهاد، الگوپذیری عملی نوجوان از والدین است. اگر والدین خود به وقت شناسی، خضوع و خشوع در نماز اهمیت دهند، فرزند به صورت ناخودآگاه اهمیت آن را درک می کند.

تناقض میان گفتار و عمل والدین اثر تخریبی شدیدی بر باور نوجوان دارد. همچنین، باید از دوران کودکی، زمینه سازی نماز با استفاده از روش های بازی، تشویق و محبت آغاز شود تا نماز با خاطرات خوشایند درونی پیوند یابد و نه به عنوان یک اجبار.

سخت گیری های بی جا، تهدید، مقایسه یا وادار کردن نوجوان به نماز در زمان خستگی یا در حین تماشای برنامه مورد علاقه، منجر به تنفر و دلزدگی دائمی می شود. نماز جماعت خانوادگی و تهیه وسایل زیبا مانند سجاده و چادر نماز مخصوص نیز در تقویت بعد عاطفی نماز مؤثر است.

آموزش نماز باید از دوران کودکی و قبل از سن تکلیف آغاز شود و با زبان قصه، شعر و بازی همراه باشد تا در ضمیر کودک نهادینه گردد.

از طرفی دیگر اهمیت به سن تکلیف لازم است. در حدود سن نه یا سیزده سالگی و پانزده سالگی برای دختران و پسران آموزش احکام و مفاهیم نماز باید جدی تر و در عین حال صمیمی انجام شود تا نوجوان با آمادگی کامل وارد دوران تکلیف شود.

اعضای بزرگ تر خانواده نیز با اهتمام به نماز، می توانند در نهادینه سازی این فرهنگ در نوجوان نقش مؤثری ایفا کنند.

هماهنگی سه گانه محیط

محیط خارج از خانه، به ویژه مدرسه و گروه دوستان، نقشی مکمل و تعیین کننده دارند.

مدرسه باید فضایی تشویقی و جذاب فراهم کند. محبوبیت، شخصیت علمی و اخلاقی معلمان دینی و توانایی آن ها در پاسخگویی به ابهامات، در جذب دانش آموزان به نماز حیاتی است. همچنین، محیط نمازخانه باید تمیز، معطر، زیبا و دارای وضوخانه های بهداشتی باشد. حضور فعال و صادقانه کادر مدرسه در نماز جماعت، خود بهترین الگو برای دانش آموزان است.

گروه همسالان نیز تأثیر بسزایی دارد؛ معاشرت با دوستان متعهد و نمازخوان، محرکی قوی برای استمرار این فریضه است، در حالی که تمسخر یا بی توجهی از سوی همسالان، می تواند باعث سستی و ترک نماز شود. این مسئله حتی در مورد بزرگسالان نیز صادق است.

رسانه ها نیز نقش خود را دارند. برای جلوگیری از سردرگمی نوجوان، نیاز به هماهنگی سه گانه بین خانه، مدرسه و رسانه وجود دارد. تداخل برنامه های جذاب رسانه ای با اوقات شرعی، به طور ناخودآگاه پیام بی اهمیتی نماز را به ذهن نوجوان مخابره می کند.

جذب نوجوانان به نماز، فراتر از یک آموزش ساده است؛ یک فرآیند تربیتی عاطفی، شناختی و محیطی است. موفقیت در این امر نیازمند یک رویکرد جامع است که بر الگوی عملی صحیح، تبیین منطقی و اقناع فکری، خوشایندسازی تجربه نماز، و هماهنگی کامل تمامی نهادهای تربیتی در جهت تقویت انگیزه درونی نوجوان تمرکز دارد.